

بررسی تأثیر تغییر حسابرِس مستقل بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامحسین مهدوی*

سامان محمدی**

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۹

چکیده:

افزایش توجه به موضوع استقلال حسابرسان و قدرت حرفه‌ای حسابرِس مستقل باعث شده است که تغییر حسابرِس به زمینه مهمی در پژوهش‌ها و مباحث حرفه‌ای تبدیل شود. موضوع تغییر حسابرِس را هم می‌توان مثبت و هم می‌توان منفی تلقی کرد و با توجه به مثبت یا منفی بودن آن بر دید سرمایه‌گذاران نیز می‌تواند تأثیر بگذارد. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است که: آیا تغییر حسابرِس مستقل تأثیری بر قیمت سهام شرکت دارد یا خیر؟ و اصلی هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تغییر حسابرِس مستقل بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به این ترتیب، جامعه آماری پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد که از آن تعداد ۳۱۲ مشاهده (تغییر حسابرِس) طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ به عنوان نمونه برای بررسی انتخاب شده است. در این پژوهش، تغییر حسابرِس به چهار گروه تقسیم، و رابطه آن با قیمت سهام در قالب ۱ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی آزمون می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با

* دانشیار حسابداری، دانشگاه شیراز، گروه حسابداری، شیراز، فارس، ایران.

Email: ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

** مربی حسابداری، دانشگاه رازی کرمانشاه، گروه حسابداری، کرمانشاه، ایران

Email:saman2165@gmail.com

استفاده از رگرسیون خطی بیانگر این است که تنها بین تغییر حسابرِس از سازمان حسابرِسی به مؤسسه‌های حسابرِسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام رابطه منفی معنادار وجود دارد اما بین سایر تغییرات حسابرِس و قیمت سهام رابطه آماری معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: تغییر حسابرِس، قیمت سهام، سازمان حسابرِسی، مؤسسه‌های حسابرِسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران.

۱- مقدمه

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیازمند اطلاعاتی است که با کمک آن بتوان منابع موجود و در دسترس را به گونه‌ای مطلوب تخصیص داد. یکی از مهم‌ترین عوامل در تصمیم‌گیری صحیح، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است که اگر به‌درستی فراهم و پردازش نشود، تأثیرات منفی برای فرد تصمیم‌گیرنده در پی خواهد داشت (قائمی و وطن‌پرست، ۱۳۸۴). هر قدر توزیع اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر می‌شود و امکان رشد فساد کاهش می‌یابد (نوبخت، ۱۳۸۵). بنابراین، اطلاعات شفاف را می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست.

بحران سال ۱۹۲۹ آمریکا که به موجب آن حسابداران به دلیل ارائه نکردن استانداردهای حسابداری، به خصوص در زمینه همسانی رویه مورد انتقاد شدید قرار گرفتند، سبب شد تا ارائه صورت‌های مالی حسابرِسی شده به وسیله شرکت‌های سهامی، در بورس نیویورک ضرورت یابد. پس از این بحران، بورس نیویورک در سال ۱۹۳۳ برای اولین بار از همه شرکت‌هایی که درخواست پذیرش در بورس نیویورک را داشتند، خواست تا صورت‌های مالی حسابرِسی شده، ارائه کنند. در این حسابرِسی، حسابرسان باید در مورد منصفانه بودن و رعایت اصل ثبات رویه اظهار نظر می‌کردند، و برای نخستین بار اعلام می‌داشتند که صورت‌های مالی طبق رویه‌های پذیرفته شده حسابداری تهیه شده‌اند (هندریکسن^۱ و ون‌بردا^۲، ۱۹۹۲).

^۱. Hendriksen

^۲. VanBreda

قوش^۱ (۲۰۰۷) بیان می‌کند که حسابرسی مستقل که به موجب بحران سال ۱۹۲۹ آمریکا الزامی شد، اخیراً به طور شایانی به عنوان یک عامل نظارت شرکتی مورد توجه قرار گرفته است. وی معتقد است، سیستم نظارت داخلی و برون‌سازمانی مکمل یا جانشین یکدیگرند و هر دو ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. قوش، همچنین، بر وجود یک رابطه جانشینی بین این دو سیستم نظارتی تأکید کرد و بر وجود یک رابطه معنادار بین سیستم نظارت داخلی و ارزش شرکت نیز اشاره داشت (نقل از مهدوی و غیوری مقدم، ۱۳۸۹). بنابراین، یکی از عواملی که باعث شفافیت اطلاعات شرکت‌ها می‌شود، و از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی عملیات کارای بازار سرمایه را تسهیل می‌کند، حسابرسی برون‌سازمانی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی است. اما به دلیل برخی رسوایی‌های مالی نظیر رسوایی‌های حسابداری انرون^۲، ورلدکام^۳ و نظایر آن استقلال حسابرسان مورد سؤال قرار گرفت. این انتقادات بر این اساس بود که تغییر حسابرسان در واقع یک نوع خرید اظهارنظر حسابرسی محسوب می‌شود و در نتیجه باعث لطمه خوردن به استقلال حسابرسان و بی‌اعتبار شدن صورت‌های مالی می‌شود. همچنین، افرادی چون ناپ^۴ و الیکای^۵ (۱۹۸۶) معتقدند که افزایش تغییر حسابرسان به توانایی حسابرسان در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت‌های مالی صدمه می‌زند. خزانه‌داری آمریکا^۶ (۲۰۰۸)، بیان می‌کند که تغییرات حسابرسان به شدت در حال افزایش است و هنوز هم اجباری برای افشای دلیل تغییر وجود ندارد و یا اگر که وجود دارد کافی نیست. بنابراین، لازم است که کمیسیون بورس و اوراق بهادار همه شرکت‌های آمریکایی را ملزم کند که دلایل تغییر حسابرسان خود را افشاء کنند.

پدیده تغییر حسابرسان در سال‌های اخیر توجه بسیاری را از محافل دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. این پدیده از نظر درک وضعیت بازار خدمات حسابرسی و میزان رقابت در حرفه حسابرسی اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین، افزایش الزامات افشاء در مورد علت تغییر حسابرسان و از سوی دیگر عکس‌العمل بازار در قبال تغییر حسابرسان، با هدف کاهش انگیزه مدیریت صاحبکار برای اخذ گزارش‌های حسابرسی مطلوب و یا مجوز استفاده از روش‌های حسابداری خاص، ایجاد شده‌اند. افزون بر این، هدف الزامات افشاء، این است که

^۱ . Ghosh

^۲ . Enron

^۳ . WorldCom

^۴ . Knapp

^۵ . Elikai

^۶ . U.S. Treasury

حسابرسان بتوانند با استقلال بیشتری به اظهارنظر بپردازند که لزوماً منطبق با ترجیحات صاحبکاران هم نیست. حسابرسان به عنوان اعتباردهندگان اصلی صورت‌های مالی می‌توانند بر ارزش آتی شرکت اثرگذار باشند و باعث تغییر در قیمت سهام شرکت شوند. نتایج پژوهش لاینج^۱ (۲۰۰۸) نشان داده است که تغییر حسابرسان بر واکنش سرمایه‌گذاران تأثیرگذارست و این تأثیر در قیمت سهام منعکس شده است. همچنین، پژوهش‌های مختلف (از جمله کامران و همکاران^۲، ۲۰۰۸؛ و جورجی و همکاران^۳، ۲۰۰۹)، بیانگر این موضوع بود که تغییر حسابرس باعث تغییر عکس‌العمل‌های سرمایه‌گذاران می‌شود که این تغییر در مواردی موجب افزایش قیمت سهام (تأثیر مثبت) و در مواردی موجب کاهش قیمت سهام (تأثیر منفی) شده است. بنابراین، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا تغییر حسابرس در ایران و بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟ و در صورت تأثیر، آیا این تأثیر منفی است یا مثبت؟ به این ترتیب، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تغییر حسابرس مستقل بر قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

۲-۱- حسابرس مستقل

حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی به وسیله حسابرسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید (بولو و همکاران، ۱۳۸۹). طبق استاندارد شماره ۲۰۰، استانداردهای حسابرسی ایران، حسابرسی صورت‌های مالی یکی از انواع خدمات اطمینان بخشی است. خدمت اطمینان بخش خدمتی است که طی آن حسابرس نظر خود را درباره حاصل ارزیابی یا اندازه‌گیری یک موضوع بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده، برای افزایش اطمینان استفاده‌کنندگان مورد نظر، اظهار می‌کند (استانداردهای حسابرسی ایران، ۱۳۸۶، استاندارد شماره ۲۰۰: بند ۳). طبق استاندارد شماره ۲۱۰، استانداردهای بین‌المللی حسابرسی^۴ (۲۰۰۸)،

^۱ . Lynch

^۲ . Cameran, et al.

^۳ . George, et al.

^۴ . International Standards on Auditing (ISAs)

هدف اصلی حسابرِس مستقل این است که از عاری بودن صورت‌های مالی از هرگونه تحریف بااهمیت که ناشی از اشتباه یا تقلب باشد، اطمینان معقولی کسب کند، و بر اساس یافته‌های حسابرِس گزارش خود را در مورد صورت‌های مالی ارائه کند (استانداردهای بین‌المللی حسابرِس، ۲۰۰۸، استاندارد شماره ۲۱۰: بند ۱۳).

طبق نظر شلکر^۱ و ایچن‌برگر^۲ (۲۰۱۰)، «حسابرِس مستقل کسی است که از طریق بازبینی و تجدیدنظر در اطلاعات مالی باعث کاهش هزینه اطلاعات و مشکلات نمایندگی بین شهروندان و دولت می‌شود» (ص. ۳۵۹).

۲-۲- تغییر حسابرِس

تغییر حسابرِس دارای دلایلی مختلفی است که، به طور کلی، به مواردی چون اظهارنظر حسابرِس، حق‌الزحمه حسابرِس، کیفیت حسابرِس، مدیریت، فرصت‌های دستکاری سود، رشد شرکت، اهرم‌های مالی، ارائه مجدد صورت‌های مالی، وضعیت مالی واحد مورد رسیدگی و ... می‌توان اشاره کرد. فرانسیس^۳ و ویلسون^۴ (۱۹۸۱) بیان می‌کنند که فرآیند تغییر حسابرِس به دو مرحله تقسیم می‌شود. در مرحله اول، شرکت تصمیم به تغییر حسابرِس می‌گیرد و حسابرِس قبلی را کنار می‌گذارد. در مرحله دوم، حسابرِس جدید انتخاب می‌شود (نقل از مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). دلایل مربوط به کنارگذاری حسابرِس قبلی ممکن است ربطی به معیارهای خاص مورد استفاده در انتخاب حسابرِس جدید نداشته باشد. از سوی دیگر، چالرز و همکاران^۵ (۲۰۱۰) معتقدند به طور کلی انتخاب حسابرِس یک تصمیم اقتصادی است. صاحبکار خدمات حسابرِس را در سطح کیفیت مورد انتظار خود با کمترین هزینه از فروشنده (حسابرِس) می‌خرد، و تغییر حسابرِس نتیجه تغییر در مقدار و نوع خدمات مورد نیاز صاحبکار است. انتخاب مؤسسه حسابرِس برای حیات شرکت‌های سهامی تصمیم‌گیری مهمی محسوب می‌شود و تصمیم برای تغییر حسابرِس نباید به سادگی انجام و بی‌اهمیت تلقی شود (داویدسون و همکاران^۶، ۲۰۰۶). در دهه اخیر، که به دلیل برخی رسوایی‌های مالی نظیر شرکت‌های انرون، ورلدکام و نظایر آن استقلال حسابرِس مورد سؤال قرار گرفت، نهادهای نظارتی حرفه حسابداری و بازار سرمایه به منظور تقویت استقلال حسابرِس، تغییر منظم

^۱ . Schelker

^۲ . Eichenberger

^۳ . Francis

^۴ . Wilson

^۵ . Charles, et al.

^۶ . Davidson ,et al.

حسابرسان را به عنوان یک راهکار، پیشنهاد یا الزام کرده و آن را به اجرا گذاشته‌اند (لی^۱، ۲۰۰۷). در ارتباط با فرایند تغییر حسابرس دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در زیر برخی از آن‌ها تشریح می‌شود.

حامیان تغییر ادواری حسابرس اظهار می‌کنند که رابطه بلندمدت حسابرس با صاحبکار باعث می‌شود که استقلال حسابرس تحت شعاع قرار بگیرد و اعتبار گزارش حسابرس زیر سؤال برود (مجلس سنای آمریکا^۲، ۲۰۰۲). کامران و همکاران (۲۰۰۸) بر این عقیده‌اند که فرایند تغییر حسابرس موجب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های تهیه شده از سوی حسابرسان می‌شود و در نتیجه، انگیزه حسابرسان برای کشف و گزارش تحریف‌های بااهمیت به دلیل اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد (ص. ۱). از سوی دیگر، گیگر^۳ و راژوناندان^۴ (۲۰۰۲) معتقدند که در گزارش‌های حسابرسان جدید اشتباه‌های بیشتری یافت می‌شود و این نتیجه‌گیری به دلیل موقعیت حسابرسان است که شاید تحت تأثیر سال اول فعالیت خود قرار می‌گیرند؛ بنابراین، تغییر حسابرس و در پی آن ورود حسابرس جدید موجب کاهش کیفیت حسابرسی و شفافیت اطلاعات در سال‌های ابتدایی می‌شود. همیلتون^۵ (۲۰۱۱) معتقد است که تغییر ادواری حسابرس، از یک سو نقش اصلی حسابرس را که اعتباردهی است زیر سؤال می‌برد و از سوی دیگر باعث می‌شود که رابطه بین صاحبکار و حسابرس نیز مخدوش شود. همچنین، تغییر حسابرس باعث افزایش ریسک حسابرس و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. تانی و همکاران^۶ (۲۰۱۰)، این‌چنین بیان می‌کنند که مدت زمان تأخیر در ارائه گزارش حسابرس برای شرکت‌هایی که به طور ادواری حسابرسان خود را تغییر می‌دهند، در مقایسه با شرکت‌هایی که کمتر تغییر می‌دهند، بیشتر است. همچنین، راکو و همکاران^۷ (۲۰۱۰) معتقدند مؤسسه‌های حسابرسی به دو دسته‌ی حسابرس بین‌المللی و حسابرس منطقه‌ای تقسیم می‌شوند، و اگر تغییر حسابرس از یک حسابرس منطقه‌ای به یک حسابرس منطقه‌ای دیگر باشد، یک علامت قرمز محسوب می‌شود و باید با دقت بیشتری بررسی شود.

پیشینه تغییر حسابرس در ایران نیز نشان می‌دهد که فرایند تغییر حسابرسان مستقل در سال‌های گذشته به دلیل محدودبودن حسابرسی توسط چند مؤسسه بزرگ از جمله مؤسسه

^۱ . Li

^۲ . U.S. Senate

^۳ . Geiger

^۴ . Raghunandan

^۵ . Hamilton

^۶ . Tanyi, et al.

^۷ . Rakow, et al.

حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان و مؤسسه حسابرسی شاهد به شکل مدون و رسمی و در قالب مفاد قانونی وجود نداشته است و فقط گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای تعدادی از کارهای خاص با نظر مدیران مؤسسه تغییر می‌کرده است. در سال ۱۳۶۶ سازمان حسابرسی با ادغام این مؤسسه‌ها تشکیل شد. در سازمان حسابرسی به دلیل تنوع و تعدد صاحبکاران و به منظور اعمال کنترل و بررسی بیشتر، گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای کار در دوره‌های زمانی با میانگین سه سال تغییر می‌یابند. این جابجایی ممکن است مسئولیت انجام حسابرسی یک شرکت را از یک مدیر سلب و به مدیر دیگری در داخل آن سازمان محول کند لذا فرایند تغییر صرفاً بین گروه‌های مختلف در درون سازمان حسابرسی انجام می‌شود و در زمره مقررات تغییر حسابرس، آن گونه که در سایر کشورها مدنظر است، قرار نمی‌گیرد. اما در نهایت با تصویب دستورالعمل مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۶ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تغییر منظم حسابرس مستقل در دوره زمانی چهار ساله الزامی شد و تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اشخاص تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار موظف به رعایت آن شدند.

۳- پیشینه پژوهش

جعفری (۱۳۸۷)، در پژوهش خود به بررسی چرخش مؤسسه‌های حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت و با بررسی عوامل کشف تحریفات موجود در صورت‌های مالی (شایستگی حسابرس) و گزارش تحریف‌های کشف شده (استقلال حسابرس) به این نتیجه رسید که چرخش مؤسسه‌های حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

رضازاده و زارعی‌مروج (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که حق‌الزحمه حسابرس، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت‌ها، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسان از سوی شرکت‌ها تأثیر دارد و اظهارنظر مشروط، افزایش میزان فروش شرکت صاحبکار، میزان فراوان نسبت بدهی بلندمدت به دارایی‌های شرکت صاحبکار، مقدار زیاد نسبت بدهی کوتاه مدت به دارایی‌های شرکت صاحبکار و افزایش سرمایه شرکت صاحبکار بر تغییر حسابرسان شرکت‌ها تأثیری ندارد.

کرمی و بذرافشان (۱۳۸۹)، با بررسی دیدگاه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در زمینه تغییر حسابرسان این چنین بیان کردند که پدیده‌ی تغییر حسابرسان با آمیخته‌ای از اثرات مثبت و منفی همراه است. از آنجا که منتقدان این پدیده در انتقادهای خود به افزایش هزینه‌های حسابرسانی تکیه می‌کنند شاید مناسب‌ترین راه‌حل، تغییر شرکا و کارکنان حسابرسانی به جای تغییر مؤسسه‌های حسابرسانی باشد. به این ترتیب، استقلال حسابرسان تا حدی حفظ می‌شود و هزینه‌های حسابرسانی افزایش چندانی نخواهد یافت.

مهدوی و ابراهیمی (۱۳۸۹)، با بررسی دلایل موثر بر تغییر حسابرسان چنین نتیجه‌گیری کردند که علی‌رغم تصویرهای کلی موجود که دلیل تغییر حسابرسان توسط شرکت‌ها را ناشی از عواملی همچون دریافت اظهارنظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از تقلب و ضعف عملکرد مدیریت می‌دانند، گاهی اوقات شرکت‌ها برای بهبود عملکرد خود حسابرسان خود را تغییر می‌دهند. همچنین، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مؤسسه‌های حسابرسانی جانشین، به صاحبکارانی که با هدف تحکیم جایگاه مدیریت حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، اجازه دستکاری سود نمی‌دهند. افزون بر این، الزاماً اظهارنظر مقبولی را دریافت نمی‌کنند.

اسچوارتز^۱ و سو^۲ (۱۹۹۵) در پژوهشی به بررسی محتوای اطلاعاتی فرم 8-k طی دوره ۵ ساله ۱۹۸۷ الی ۱۹۹۲ برای ۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک پرداختند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که بازار سهام به اطلاعات موجود در فرم 8-k هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان نمی‌دهد.

تورنر و همکاران^۳ (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی دلایل تغییر حسابرسان در آمریکا پرداختند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که قیمت سهام بعد از تغییر حسابرسان به شدت کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که مشکل است کاهش قیمت را فقط به یک عامل نسبت داد و این مسئله به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد.

کامران و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهش خود به منظور شناسایی اثر تغییر حسابرسان بر کیفیت حسابرسانی، به بررسی شرکت‌های بورسی ایتالیایی پرداختند که اطلاعات تغییر حسابرسان آن‌ها طی دوره ۹ ساله ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۴ موجود بود. نتایج پژوهش آنان بیانگر این مطلب بود که تغییر حسابرسان باعث افزایش کیفیت حسابرسانی و تغییر عکس‌العمل‌های

^۱ . Schwartz

^۲ . Soo

^۳ . Turner, et al.

سرمایه‌گذاران می‌شود که این تغییر در مواردی به صورت منفی و در موارد دیگر به صورت مثبت بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد.

جکسون و همکاران^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان «تغییر ادواری حسابرِس و کیفیت حسابرِس» اطلاعات ۲۲۴ شرکت استرالیایی طی بازه زمانی ۸ ساله ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۳ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اگر تغییر حسابرِس به دلیل برطرف کردن نبود فرض تداوم فعالیت باشد، کیفیت حسابرِس افزایش می‌یابد ولی اگر به دلیل عواملی چون کاهش هزینه حسابرِس باشد هیچ‌گونه تأثیری بر کیفیت حسابرِس ندارد.

جورجی و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عکس‌العمل سرمایه‌گذاران نسبت به تغییرات حسابرسان بسته به دلیل آن ممکن است مثبت یا منفی باشد. اگر تغییر به این دلیل باشد که حسابرسان نمی‌توانند بر صداقت مدیریت تکیه کنند، باعث عکس‌العمل منفی سرمایه‌گذاران، و اگر تغییر به این دلیل باشد که شرکت به دنبال یک مؤسسه‌ی دیگر برای ارائه خدمات بهتر باشد، باعث عکس‌العمل مثبت سرمایه‌گذاران می‌شود.

چانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان «عکس‌العمل بازار به تغییر حسابرِس از ۴ مؤسسه بزرگ حسابرِس به مؤسسه‌های حسابرِس کوچک‌تر» به بررسی اطلاعات ۱۷۶ شرکت طی دوره ۶ ساله ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۸ پرداختند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که تغییر از ۴ مؤسسه بزرگ حسابرِس به سایر مؤسسه‌های حسابرِس باعث واکنش مثبت بازار و افزایش قیمت سهام می‌شود. در توجیه این دلیل این‌چنین بیان کردند که این تغییر باعث کاهش هزینه حسابرِس می‌شود بدون آنکه کیفیت حسابرِس کاهش یابد.

نوماتا^۳ و تاکدا^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به منظور مشخص کردن رابطه بین تغییر حسابرِس و قیمت سهام به بررسی اطلاعات ۲۵۴ شرکت ژاپنی پرداختند که در سال ۲۰۰۴ حسابرِس خود را تغییر داده بودند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که بین عکس‌العمل بازار و قیمت سهام شرکت‌های ژاپنی و عدم موفقیت تیم حسابرِس در دستیابی به اهدافشان رابطه معناداری وجود دارد.

اسکینر^۵ و سرنی‌واسان^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تغییر حسابرِس و کیفیت حسابرِس ۲۱۹۹ شرکت بورس توکیو طی دوره ۶ ساله ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۸ پرداختند.

^۱ . Jakson, et al.

^۲ . Chang, et al.

^۳ . Numata

^۴ . Takeda

^۵ . Skinner

نتایج آنان پژوهش حاکی از این بود که در اکثر موارد تغییر حسابرِس باعث افزایش کیفیت حسابرِس و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به حسابرِس انجام شده، می‌شود. ابی‌موبی^۲ و کرتو^۳ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به منظور شناسایی تأثیر تغییر حسابرِس بر کیفیت، هزینه و استقلال حسابرِس، ۲۵۰ پرسش‌نامه بین سرمایه‌گذاران در نیجریه توزیع کردند و بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تغییر ادواری حسابرِس در برخی موارد باعث افزایش کیفیت حسابرِس و عکس‌العمل مثبت سرمایه‌گذاران، و در نتیجه افزایش قیمت سهام می‌شود، و در موارد دیگر هیچ‌گونه تأثیری بر روی کیفیت حسابرِس ندارد.

۴- فرضیه پژوهش

هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که «آیا تغییر حسابرِس مستقل تأثیری بر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟»، که به منظور پاسخگویی به این سؤال ۵ فرضیه، شامل ۱ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی تدوین شده است. در این پژوهش سازمان حسابرِس در دو فرضیه فرعی اول به صورت جدا در نظر گرفته شد؛ از آنجا که سازمان حسابرِس یک مؤسسه دولتی است و ممکن است همین ویژگی نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد، در فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم سازمان حسابرِس از فهرست مؤسسه‌های حسابرِس انتخاب شده حذف شد و سایر مؤسسه‌های حسابرِس عضو جامعه حسابداران رسمی ایران براساس میزان درآمد آن‌ها به بزرگ و کوچک طبقه‌بندی شدند. در زیر فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شود.

فرضیه اصلی:

بین تغییر حسابرِس مستقل و قیمت سهام شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. بین تغییر حسابرِس از سازمان حسابرِس به سایر مؤسسه‌های حسابرِس عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، با تغییر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

¹. Srinivasan

². Ebimobowei

³. Keretu

۲. بین تغییر حسابرِس از سایر مؤسسه‌های حسابرِس عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به سازمان حسابرِس، با تغییر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین تغییر حسابرِس از مؤسسه‌های حسابرِس کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرِس بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، با تغییر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین تغییر حسابرِس از مؤسسه‌های حسابرِس بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرِس کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، با تغییر قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش کاربردی است و از طرح شبه تجربی و رویکرد پس‌رویدادی استفاده می‌کند. از این روش زمانی استفاده می‌شود که داده‌ها از محیطی که به‌گونه طبیعی وجود داشته یا از واقع‌ای که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده، فراهم شود. در این نوع پژوهش به دلیل اینکه پژوهشگر دخالتی در داده‌ها ندارد از روایی بیرونی بالایی برخوردار است (نمازی، ۱۳۷۹). برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای و اسنادکاوی استفاده شده است. مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی، و داده‌های میدانی مورد نیاز از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرِس شده، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار، سایت مطالعات و پژوهش بورس اوراق بهادار و سایر سایت‌های معتبر و نرم افزار تدبیر پرداز نسخه ۲ گردآوری شده است. متغیرهای این پژوهش با نرم‌افزار Excel ویرایش ۲۰۱۰ محاسبه و سپس، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش، به همراه نتایج آن نیز با توجه به خروجی‌های به دست آمده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹، انجام شده است.

در این پژوهش، به منظور بررسی تأثیر محتوای اطلاعاتی تغییر حسابرِس بر قیمت سهام و سنجش تغییر قیمت سهام محدوده زمانی ۱۰۰ روز قبل از تاریخ مجمع و ۳۰ روز بعد از آن در نظر گرفته شد، و از میانگین حسابی کل تغییرات قیمت سهام، در بازه زمانی ذکر شده استفاده شده است. همچنین، سازمان حسابرِس در دو فرضیه فرعی اول به صورت جدا در نظر

گرفته شد؛ چرا که سازمان حسابرسی یک مؤسسه دولتی است و ممکن است همین ویژگی نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، در فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم سازمان حسابرسی از فهرست مؤسسه‌های حسابرسی انتخاب شده حذف شد. همچنین، مطابق با پژوهش‌های لین^۱ و مینگ^۲ (۲۰۰۹) و زارع (۱۳۸۹) مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران براساس میزان درآمد آن‌ها به بزرگ و کوچک طبقه‌بندی شدند. با توجه به اینکه در این پژوهش کلیه فرضیه‌ها به صورت سالانه در طی دوره پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؛ داده‌ها به صورت مقطعی خواهد بود. در نتیجه لازم است از روش‌های آماری به گونه‌ای مناسب استفاده شود تا به تحلیل درست و صحیحی دست پیدا کرد. در این راستا، برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی استفاده شده است. در آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی، ضریب تعیین و مدل رگرسیون خطی ساده استفاده شده است، که مدل کلی رگرسیون مورد استفاده در این پژوهش به صورت زیر است:

$$\Delta P = \alpha + \beta_1 AC + \beta_2 SIZ + \beta_3 LEV + \beta_3 ROA + \varepsilon$$

که در آن:

ΔP = تغییر قیمت سهام، AC = نوع تغییر حسابر، SIZ = اندازه شرکت، LEV = اهرم مالی و ROA = نرخ بازده دارایی‌ها، است.

۶- جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که حداقل ۲ سال متوالی طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ در بورس فعالیت داشته‌اند. در این پژوهش هیچ‌گونه نمونه‌گیری آماری انجام نشده است و تجزیه و تحلیل روی کل اجزای جامعه انجام شده است. اما برای انتخاب شرکت‌ها پیش‌فرض‌های زیر اعمال شده است: ۱- شرکت حداقل ۲ سال در طی ۸ سال اخیر در بورس فعالیت داشته و گزارش‌های مالی خود را طی این سال‌ها به بورس ارائه داده باشد، ۲- پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند هر سال باشد،

^۱ . Lin

^۲ . Ming

۳- شرکت حداقل ۲ سال متوالی ۲۹ اسفند را به عنوان پایان سال مالی انتخاب کرده باشد و
۴- شرکت انتخابی جزء شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.

دلایل اعمال هر یک از محدودیت‌های بالا به این شرح است. محدودیت اول به این دلیل ارائه شده است که با توجه به مقطعی بودن انجام این پژوهش به داده‌های ۲ مقطع (۲ سال) متوالی جهت انجام تجزیه و تحلیل نیاز است. دلیل انتخاب ۲۹ اسفند به عنوان پایان سال مالی این است که بتوان اعداد و ارقام صورت‌های مالی شرکت‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد و همچنین، پایان سال مالی بیشتر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۹ اسفند است. حذف شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری به این دلیل است که نوع فعالیت این شرکت‌ها متفاوت از سایر شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار است. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض‌ها در مجموع ۱۷۸ شرکت شامل ۳۱۲ تغییر حسابرس مورد بررسی قرار گرفت.

۷. متغیرهای پژوهش

۷.۱. متغیر مستقل

مطابق با پژوهش‌های نکل و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، کامران و همکاران (۲۰۰۸) و جورجی و همکاران (۲۰۰۹)، متغیر مستقل مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از تغییر حسابرسان شرکت، که این تغییر شامل هر نوع تغییر از جمله: تغییر از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، تغییر از یک مؤسسه حسابرسی بزرگ به یک مؤسسه حسابرسی کوچک و بالعکس است، که مؤسسه‌های حسابرسی بر اساس میزان درآمد آن‌ها به مؤسسه‌های بزرگ و کوچک تقسیم بندی شده‌اند.

۷.۲. متغیر وابسته

مطابق با پژوهش‌های چانگ و همکاران (۲۰۱۰) و نوماتا و تاکدا (۲۰۱۰)، در این پژوهش قیمت سهام به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. به طور کلی، جهت ارزیابی محتوای اطلاعاتی تغییر حسابرس، باید بعد و قبل از تاریخ مجمع، تغییرات قیمت و بازده غیرعادی منبعث از آن را برای جامعه مورد آزمون محاسبه کرد و سپس در صورتی که بین تغییرات قیمت و بازده غیرعادی آن با تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود داشته باشد،

^۱. Knechel, et al.

می‌توان نتیجه گرفت که تغییر حسابرِس دارای محتوای اطلاعاتی است. محدوده زمانی پژوهش بررسی دوره تخمین ۱۰۰ روز قبل از تشکیل مجمع و ۳۰ روز بعد از تاریخ تشکیل مجمع است.

۷.۳. متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، مشابه پژوهش‌هایی چون آشباگ^۱ و وارفیلد^۲ (۲۰۰۳)، کامران و همکاران (۲۰۰۸)، جورجی و همکاران (۲۰۰۹) و لین و مینگ (۲۰۱۰) به منظور کنترل سایر عوامل موثر بر تغییر حسابرِس و قیمت سهام متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی انتخاب شده‌اند. اندازه شرکت^۳: برای سنجش اندازه شرکت از معیارهای متفاوتی از قبیل ارزش بازار، فروش و مجموع دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود. استفاده از ارزش بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به دلیل وجود شرایط تورمی اقتصاد ایران و نامربوط بودن اقلام دارایی‌ها بر اساس ارزش‌های تاریخی، دارای مزیت است. بنابراین، در این پژوهش مشابه پژوهش‌های لینک و همکاران^۴ (۲۰۰۸)، کامران و همکاران (۲۰۰۸) و لی‌هن و همکاران^۵ (۲۰۰۹) از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت به عنوان معیاری از اندازه شرکت استفاده می‌شود.

اهرم مالی^۶: اهرم مالی بیانگر میزان هزینه‌های ثابت مالی از قبیل بهره یا سود ثابت وام‌ها در شرکت است. یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های اهرم مالی، نسبت بدهی است که از تقسیم بدهی‌ها به دارایی‌ها بدست می‌آید. پژوهشگرانی چون، کامران و همکاران (۲۰۰۸)، جورجی و همکاران (۲۰۰۹)، لین و مینگ (۲۰۱۰) در پژوهش‌های خود از این نسبت به عنوان اهرم مالی استفاده کرده‌اند.

بازده دارایی‌ها^۷: این نسبت بیانگر کارایی استفاده از دارایی‌ها است و میزان سود به ازای هر ریال از وجوه سرمایه‌گذاری شده در شرکت را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر، با توجه به این که هزینه بهره و مالیات به وسیله عواملی غیر از کاربرد مؤثر منابع تعیین می‌شود، برای محاسبه این معیار از نسبت سود قبل از مالیات و هزینه بهره (سود خالص عملیاتی) به مجموع دارایی‌های شرکت به عنوان معیار بازده دارایی‌ها استفاده شده است. در این پژوهش مطابق با

^۱ . Ashbaugh

^۲ . Warfield

^۳ . Company Size

^۴ . Linck, et al.

^۵ . Lehn, et al.

^۶ . Leverage

^۷ . Return on Assets

پژوهش‌های چانگ و همکاران (۲۰۰۹) و یانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، از بازده دارایی‌ها (نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها) به عنوان معیار سودآوری استفاده می‌شود.

۸. تجزیه و تحلیل نتایج

۸.۱. آمار توصیفی

با توجه به اینکه متغیرهای مستقل پژوهش حاضر از نوع اسمی هستند ارائه آمار توصیفی برای آن‌ها مفید نیست و اطلاعات خاصی را به خواننده منتقل نمی‌کند. لذا، برای متغیرهای مستقل آمار توصیفی تهیه نشده است. به هر حال، در جدول شماره ۱ تعداد شرکت‌های انتخاب شده و میزان تغییر هر یک از متغیرهای مستقل به تفکیک سال‌های مختلف نشان داده شده است.

جدول (۱): تعداد شرکت‌های انتخاب شده و میزان تغییر متغیرهای مستقل

سال / نوع تغییر	۸۱		۸۲		۸۳		۸۴		۸۵		۸۶		۸۷		۸۸	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
از ۱ به ۲	۲۴	۶۳	۳۳	۶۲	۱۵	۴۰	۱۱	۳۸	۹	۱۸	۶	۱۸	۵	۱۵	۶	۱۵
از ۲ به ۱	۲	۵	۲	۴	۱	۳	۱	۳	۲	۴	۱	۳	۲	۶	۱	۲
از ۳ به ۴	۰	۰	۱	۲	۵	۱۳	۴	۱۴	۸	۱۶	۳	۹	۶	۱۸	۷	۱۸
از ۴ به ۳	۰	۰	۲	۴	۶	۱۶	۱	۳	۴	۸	۴	۱۲	۵	۱۵	۴	۱۱
سایر	۱۲	۳۲	۱۵	۲۸	۱۰	۲۷	۱۲	۴۲	۲۶	۵۴	۲۰	۵۸	۱۵	۴۶	۲۱	۵۴
جمع	۳۸	۱۰۰	۵۳	۱۰۰	۳۷	۱۰۰	۲۹	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۳۳	۱۰۰	۳۹	۱۰۰
کد	۱: سازمان حسابرسی، ۲: مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، ۳: مؤسسه‌های حسابرسی کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و ۴: مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران															

^۱. Yang, et al.

همانطور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸)، ۱۲، ۱۰۹، ۳۴ و ۲۶ شرکت، به ترتیب، از سازمان حسابرسی به سایر موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، از سایر موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به سازمان حسابرسی، از موسسه‌های حسابرسی کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به موسسه‌های حسابرسی بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و از موسسه‌های حسابرسی بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به موسسه‌های حسابرسی کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی تغییر حسابرس داده‌اند.

۸.۲. آمار استنباطی

۸.۲.۱. بررسی نرمال بودن و استقلال خطاها

جدول شماره ۲، نتایج بررسی استقلال و نرمال بودن خطاها برای فرضیه‌های فرعی اول تا چهارم را نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج بررسی استقلال و نرمال بودن خطاها

فرضیه	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	آماره دورین-واتسن	میانگین خطاها	واریانس خطاها	استقلال خطاها	نرمال بودن خطاها
فرضیه ۱	۰/۲۴۰	۰/۰۵۸	۱/۸۸۲	۰	۰/۹۹۴	√	√
فرضیه ۲	۰/۱۷۸	۰/۰۳۲	۱/۹۰۳	۰	۰/۹۹۴	√	√
فرضیه ۳	۰/۲۰۳	۰/۰۴۱	۱/۹۱۳	۰	۰/۹۹۴	√	√
فرضیه ۴	۰/۱۸۵	۰/۰۳۴	۱/۹۱۵	۰	۰/۹۹۴	√	√

طبق جدول شماره ۲ برای همه فرضیه‌ها، استقلال خطاها (به دلیل اینکه مقدار دورین-واتسن آن‌ها بین ۱/۵ تا ۲/۵ است) پذیرفته می‌شود. همچنین، بررسی میانگین و واریانس خطاها نیز بیانگر نرمال بودن خطاها است، چرا که طبق جدول شماره ۲ میانگین خطاها صفر بوده و واریانس آن‌ها (۰/۹۹۴) نیز تقریباً یک است. لذا، در اینجا می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

۸.۲.۲. آزمون فرضیه‌ها

۸.۲.۲.۱. آزمون فرضیه فرعی اول

جدول شماره ۳، به ترتیب، نتایج بررسی آماره F ، ضرایب مدل رگرسیون و آزمون فرضیه فرعی اول را نشان می‌دهد. همانطور که جدول مزبور بیانگر است مقدار P -value مربوط به آماره F

کمتر از ۰/۰۵ است لذا کل مدل رگرسیون معنادار است. همچنین، تغییر حسابرِس، اندازه شرکت و ضریب ثابت در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند ولی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها به دلیل داشتن P-value بیشتر از ۰/۰۵ معنادار نیستند. بنابراین، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه فرعی اول بیانگر این است که بین تغییر حسابرِس از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، رابطه منفی معنادار وجود دارد.

جدول (۳): نتایج حاصل از تخمین مدل اول

مدل					
$\Delta P = -50.984 - 0.164 * AC + 0.156 * SZ + 0.063 * LEV - 0.008 * ROA + \varepsilon$					
تأیید یا رد	P-value	مقدار t	β	مقدار برآورد شده	مدل رگرسیون
تأیید	۰/۰۰۴***	-۲/۹۱۹		-۵۰/۹۸۴	مقدار ثابت
	۰/۰۰۴	-۲/۹۱۴	-۰/۱۶۴	-۱۷/۶۹۲	تغییر حسابرِس
	۰/۰۰۶	۲/۷۹۴	۰/۱۵۶	۴/۴۵۹	اندازه شرکت
	۰/۲۲۰	۱/۱۰۴	۰/۰۶۳	۹/۶۲۸	اهرم مالی
	۰/۸۸۷	-۰/۱۴۳	-۰/۰۰۸	-۲/۸۲۵	بازده دارایی‌ها
				۴/۶۹۲	آماره F
				۰/۰۰۱**	P-Value
متغیر وابسته: تغییر قیمت سهام *معناداری در سطح ۰/۱، **معناداری در سطح ۰/۰۵ و ***معناداری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد.					

۸.۲.۲.۲. آزمون فرضیه فرعی دوم

جدول شماره ۴، به ترتیب، نتایج بررسی آماره F، ضرایب مدل رگرسیون و آزمون فرضیه فرعی دوم را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج حاصل از تخمین مدل دوم

مدل					
$\Delta P = -59.502 - 0.010 * AC + 0.173 * SIZ + 0.040 * LEV - 0.020 * ROA + \varepsilon$					
تأیید یا رد	P-value	مقدار t	β	مقدار برآورد شده	مدل رگرسیون
رد	۰/۰۰۱***	-۳/۴۰۶		-۵۹/۵۰۲	مقدار ثابت
	۰/۸۶۱***	۰/۱۷۵	۰/۰۱۰	۲/۷۰۷	تغییر حسابرس
	۰/۰۰۳	۳/۰۲۴	۰/۱۷۳	۴/۹۴۶	اندازه شرکت
	۰/۴۸۴	۰/۷۰۰	۰/۰۴۰	۶/۱۳۳	اهرم مالی
	۰/۷۳۵	-۰/۰۲۰	-۰/۰۲۰	-۶/۸۸۲	بازده دارایی‌ها
				۲/۵۰۷	F آماره
				۰/۰۴۲**	P-Value
متغیر وابسته: تغییر قیمت سهام					
*معناداری در سطح ۰/۱، **معناداری در سطح ۰/۰۵ و ***معناداری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد.					

همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مقدار P-value مربوط به آماره F کمتر از ۰/۰۵ است لذا کل مدل رگرسیون معنادار است. اما فقط P-Value ضرایب متغیرهای اندازه و ضریب ثابت کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار هستند و سایر ضرایب به دلیل داشتن P-value بیشتر از ۰/۰۵ معنادار نیستند. بنابراین، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه فرعی دوم بیانگر این است که بین تغییر حسابرس از مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به سازمان حسابرسی و قیمت سهام، رابطه معناداری وجود ندارد.

۸.۲.۳. آزمون فرضیه فرعی سوم

جدول شماره ۵، به ترتیب، نتایج بررسی آماره F، ضرایب مدل رگرسیون و آزمون فرضیه فرعی سوم را نشان می‌دهد. همانطور که جدول مزبور بیانگر است مقدار P-value مربوط به آماره F کمتر از ۰/۰۵ است لذا کل مدل رگرسیون معنادار است. اما فقط P-Value ضرایب متغیرهای اندازه و ضریب ثابت کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار هستند و سایر ضرایب به دلیل داشتن P-value بیشتر از ۰/۰۵ معنادار نیستند. بنابراین، نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه فرعی سوم بیانگر این است که بین تغییر حسابرس از مؤسسه‌های حسابرسی کوچک

عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج حاصل از تخمین مدل سوم

مدل					
$\Delta P = -61.605 + 0.098 * AC + 0.172 * SZ + 0.044 * LEV - 0.010 * ROA + \varepsilon$					
تأیید یا رد	P-value	مقدار t	β	مقدار برآورد شده	مدل رگرسیون
رد	۰/۰۰۰***	-۳/۵۳۶		-۶۱/۶۰۵	مقدار ثابت
	۰/۰۸۱***	۱/۷۵۳	۰/۰۹۸	۱۶/۴۴۲	تغییر حسابرس
	۰/۰۰۳	۳/۰۱۲	۰/۱۷۲	۴/۹۰۲	اندازه شرکت
	۰/۴۴۶	۰/۷۶۳	۰/۰۴۴	۶/۶۵۴	اهرم مالی
	۰/۸۶۲	-۰/۱۷۴	-۰/۰۱۰	-۳/۴۷۹	بازده دارایی‌ها
				۳/۲۹۳	آماره F
				۰/۰۱۲**	P-Value
متغیر وابسته: تغییر قیمت سهام					
*معناداری در سطح ۰/۱، **معناداری در سطح ۰/۰۵ و ***معناداری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد.					

۸.۲.۴. آزمون فرضیه فرعی چهارم

جدول شماره ۶، به ترتیب، نتایج بررسی آماره F، ضرایب مدل رگرسیون و آزمون فرضیه فرعی چهارم را نشان می‌دهد. همانطور که جدول مزبور بیانگر است کل معادله رگرسیون معنادار است، چرا که مقدار P-value مربوط به آماره F کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین، آماره مربوط به مقادیر t و سطح معناداری بیانگر این موضوع است که ضریب متغیر مستقل معنادار نیست، بنابراین، براساس مدل بالا می‌توان این‌گونه بیان کرد که بین تغییر حسابرس از مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسی کوچک عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج حاصل از تخمین مدل چهارم

مدل					
$\Delta P = -58.068 - 0.053 * AC + 0.172 * SZ + 0.039 * LEV - 0.021 * ROA + \varepsilon$					
تأیید یا رد	P-value	مقدار t	β	مقدار برآورد شده	مدل رگرسیون
رد	۰/۰۰۱***	-۳/۳۱۹		-۵۸/۰۶۸	مقدار ثابت
	۰/۳۴۸***	-۰/۹۴۱	-۰/۰۵۳	-۹/۹۶۴	تغییر حسابرس
	۰/۰۰۳	۳/۰۰۴	۰/۱۷۲	۴/۹۰۸	اندازه شرکت
	۰/۴۹۱	۰/۶۸۹	۰/۰۳۹	۶/۰۲۷	اهرم مالی
	۰/۷۲۰	-۰/۳۵۹	-۰/۰۲۱	-۷/۱۹۹	بازده دارایی‌ها
				۲/۷۲۸	F آماره
				۰/۰۲۹**	P-Value
متغیر وابسته: تغییر قیمت سهام					
*معناداری در سطح ۰/۱، **معناداری در سطح ۰/۰۵ و ***معناداری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد.					

۹. نتیجه‌گیری

پدیده تغییر حسابرس در سال‌های اخیر توجه بسیاری را از جمله محافل دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای به خود جلب کرده است. این پدیده از نظر درک وضعیت بازار خدمات حسابرسی و میزان رقابت در حرفه حسابرسی اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تغییر حسابرس و قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. برای این منظور ۱ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی تدوین شد. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، به غیر از فرضیه فرعی اول، تمام فرضیه‌های فرعی دیگر رد شدند. در فرضیه فرعی اول، رابطه بین تغییر حسابرس از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام بررسی شد. نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به این فرضیه بیانگر این است که بین دو متغیر مزبور، رابطه معنادار منفی وجود دارد. در واقع بر اساس ادبیات موجود و نتایج برخی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حسابرسی و انتخاب حسابرس در ایران (ابراهیمی کردلر و سیدی، ۱۳۸۷؛ نونهال‌نهر و همکاران، ۱۳۸۹، و مهدوی و همکاران، ۲۰۱۱) سازمان حسابرسی به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده است. در واقع، انتظار بر این است تغییر حسابرس از سازمان به

سایر مؤسسه‌های حسابداری باعث کاهش بالقوه در کیفیت حسابداری شود. این موضوع نیز مورد توجه سرمایه‌گذاران در بازار بورس قرار می‌گیرد و باعث کاهش قیمت سهام می‌شود. فرضیه فرعی دوم به بررسی رابطه بین تغییر حسابرسان از سازمان حسابداری به مؤسسه‌های حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام پرداخت که این فرضیه رد شد، اما با مشاهده اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ می‌توان گفت که با وجود معنادار نبودن رابطه بین تغییر حسابرسان از مؤسسه‌های حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به سازمان حسابداری و قیمت سهام، این رابطه مثبت است. یعنی، تغییر حسابرسان از مؤسسه‌های حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به سازمان حسابداری به صورت بالقوه بر نظر سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت دارد و باعث افزایش نسبی قیمت سهام (البته، نه به صورت معنادار) می‌شود. همچنین، نتایج فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم بیانگر این موضوع بود که بین تغییر حسابرسان از مؤسسه‌های کوچک حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های بزرگ حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، و همچنین، بین تغییر حسابرسان از مؤسسه‌های بزرگ حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های کوچک حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، هیچ‌گونه رابطه آماری معنادار وجود ندارد. به نظر می‌رسد این نتیجه به دلیل نوباد بودن بورس اوراق بهادار تهران، نوباد بودن مؤسسه‌های حسابداری ایران و همچنین، شناخت کافی نداشتن بازار در این زمینه باشد. نتایج مزبور از نظر نوع رابطه معناداری با نتایج پژوهش‌های اسپوارتز و سو (۱۹۹۵) و جکسون و همکاران (۲۰۰۸)، مطابقت دارد، ولی با نتایج پژوهش‌های تورنر و همکاران (۲۰۰۵)، کامران و همکاران (۲۰۰۸)، جورجی و همکاران (۲۰۰۹)، چانگ و همکاران (۲۰۱۰)، نوماتا و تاکدا (۲۰۱۰)، اسکینر و سرینی‌واسان (۲۰۱۰) و آب‌مویی و کروتو (۲۰۱۱)، مغایر است.

۱۰. محدودیت‌های پژوهش

۱. در این پژوهش به منظور سنجش رابطه بین تغییر حسابرسان و قیمت سهام اثر برخی از متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر این رابطه کنترل شدند. لذا، تأثیر سایر متغیرهای احتمالی مانند نوع صنعت، سابقه شرکت، ساختار مالکیت، نقدینگی و سودآوری بر نتایج پژوهش، در استفاده از یافته‌های پژوهش باید در نظر گرفته شود.
۲. در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر تغییر حسابرسان بر قیمت سهام بازده زمانی ۱۰۰ روز قبل از تاریخ مجمع و ۳۰ روز بعد از آن در نظر گرفته شد، که ممکن است

با در نظر گرفتن بازه زمانی متفاوت تأثیر تغییر حسابرس بر قیمت سهام به نحو بهتری منعکس شود.

۳. در این پژوهش به منظور طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ و کوچک، از میزان درآمد آن‌ها استفاده شد، که ممکن است با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر همچون تعداد کارکنان، سال تأسیس و میزان سابقه‌کاری آن‌ها، برای طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، نحوه طبقه‌بندی با طبقه‌بندی این پژوهش متفاوت باشد.

۴. به منظور انتخاب شرکت‌ها، اقدام به گزینش شرکت‌هایی شد که تاریخ پایان سال مالی آن‌ها، ۲۹ اسفند ماه باشد. ممکن است با در نظر گرفتن سایر شرکت‌هایی که تاریخ پایان سال مالی آن‌ها متفاوت باشد، تأثیر تغییر حسابررس بر قیمت سهام به نحو بهتری منعکس شود.

۱۱. پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای حاصل از نتایج پژوهش

۱- توجه به معنادار بودن رابطه بین تغییر حسابررس از سازمان حسابرسی به مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و قیمت سهام، و اهمیت این تغییر از دید سرمایه‌گذاران، به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می‌شود که فرم‌هایی شبیه فرم 8-k تهیه و در نظر گرفته شود تا شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر می‌دهند ملزم به ذکر دلایل تغییر شوند.

۲- به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود افزون بر متغیرهای مالی و غیرمالی به اطلاعات دیگری همچون تغییر حسابررس و دلایل این تغییر نیز توجه کنند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱- تکرار این پژوهش با در نظر گرفتن بازه زمانی متفاوت به منظور بررسی تغییر قیمت سهام.

- ۲- تکرار این پژوهش با استفاده از معیارهای دیگری همچون تعداد کارکنان، سال تأسیس و میزان سابقه کاری، جهت طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران به مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ و کوچک.
- ۳- تکرار این پژوهش با در نظر گرفتن و استفاده از متغیرهای کنترلی دیگر مانند سابقه شرکت، ساختار مالکیت، نقدینگی و ...
- ۴- بررسی رابطه بین متغیرهایی چون شهرت مؤسسه حسابرسی و تغییر شرکای مؤسسه‌های حسابرسی و قیمت سهام شرکت‌ها.

منابع:

- ۱- ابراهیمی کردلر، علی و سید عزیز سیدی (۱۳۸۷). "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۴: ۱۶-۳.
- ۲- بولو، قاسم؛ کیهان، مهام؛ و اسماعیل گودرزی (۱۳۸۹). "تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه دانش حسابداری، ۱: ۱۳۵-۱۱۱.
- ۳- جعفری، ولی‌اله (۱۳۸۷). "چرخش مؤسسات حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- ۴- رضازاده، جواد و کمال زارعی‌مروج (۱۳۸۶). "عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت‌های ایرانی"، فصلنامه مطالعات حسابداری، ۲۰: ۱۰۶-۸۹.
- ۵- زارع، غلامحسین (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز.
- ۶- قائمی، محمد حسین و محمدرضا وطن‌پرست (۱۳۸۴). "بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴۱: ۱۰۳-۸۵.
- ۷- کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان (۱۳۸۹). "پیامدهای تعویض حسابرس"، ماهنامه حسابداری، ۲۱۸: ۶۳-۵۸.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی (۱۳۸۶). استانداردهای حسابرسی ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۸- مهدوی، غلامحسین و شهلا ابراهیمی (۱۳۸۹). "تغییر حسابرس: چراغ سبز یا قرمز؟"، فصلنامه حسابرس، ۴۹: ۱۲۱-۱۱۳.
- ۹- مهدوی، غلامحسین و علی غیوری‌مقدم (۱۳۸۹). "بررسی محتوای اطلاعاتی گزارش مشروط حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه تحقیقات حسابداری، ۶: ۸۷-۶۸.
- ۱۰- نمازی، محمد (مترجم) (۱۳۷۹). پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش - شناختی، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۱- نوبخت، زهرا (۱۳۸۵). "ارزیابی شفافیت اطلاعات شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۵۴ و ۵۵: ۲۳-۱۸.

۱۲- نونهال‌نهر، علی اکبر؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید، و کریم یعقوب‌پور (۱۳۸۹). "رابطه بین کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی"، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۶۱: ۷۰-۵۵.

- 13- Ashbaugh, H. and T. D. Warfield (2003). "Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market", **Journal of International Accounting Research**, Vol. 2, No. 1, pp. 1-21.
- 14- Cameran, M.; Prencipe, A.; and M. Trombetta (2008). "Auditor Tenure and Auditor Change: Does Mandatory Auditor Rotation Really Improve Audit Quality?", **Annual Meeting and Conference on Teaching and Learning in Accounting**, New York, August 1-5.
- 15- Chang, H. C. S.; Cheng, A.; and K. J. Reichelt (2010). "Market Reaction to Auditor Switching from Big 4 to Third-Tier Small Accounting Firms", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, 23 (1): 1558-7991.
- 16- Charles, J. P.; Chen, X. S.; and X. Wu (2010). "Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, 29 (1): 41-72.
- 17- Davidson, W. N.; Jiraporn, P.; and P. Dadalt (2006). "Causes and Consequences of Audit Shopping: An Analysis of Audit Shopping: An Analysis of Auditor Opinions, Earnings Management, and Auditor Changes, Quarterly", **Journal of Business and Economics**, 45 (1): 69-87.
- 18- Ebimobowei, A. and O. J. Keretu (2011). "Mandatory Rotation of Auditors on Audit Quality, Costs and Independence in South-South, Nigeria", **International Business Management**, 5 (3): 166-172.
- 19- Francis, J. R. and E. R. Wilson (1981). "CPA Switches and Associated Market Reactions", **The Accounting Review**, 2: 326-341.
- 20- Geiger M. A. and K. Raghunandan (2002). "Auditor Tenure and Audit Reporting Failures", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, 21 (1): 68-78.
- 21- George, R. A.; Martin, D. R.; and F. C. James (2009). "Do markets react to required and voluntary disclosures associated with auditor realignments?", **Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting**, 25 (1): 1-12.
- 22- Ghosh, S. (2007). "External Auditing, Managerial Monitoring and Firm Valuation: An Empirical Analysis for India", **International Journal of Auditing**, 11 (1): 1-15.

- 23- Hamilton, J. (2011). "Big Four Firms Oppose Mandatory Audit Firm Rotation and Endorse Market-Driven Selection of Outside Auditor", **PCAOB Reporter**, 9 (5): 4-7.
- 24- Hendrikson, E. S. and M. F. Vanbreda (1992). **Accounting Theory**. 5th Ed. New York: IRWIN.
- 25- IFAC (International Federation of Accountants). (2008). **International Standards on Auditing (ISAs)**, [Www. ifac.org/IAASB/](http://www.ifac.org/IAASB/). [17 October 2011].
- 26- Jackson, A. B.; Moldrich, M.; and P. Roebuck (2008). "Mandatory Audit Firm Rotation and Audit Quality", **Managerial Auditing Journal**, 23 (5): 420-437.
- 27- Knapp, M. C. and F. Elikai (1986). "Auditor Changes: A Note on the Policy Implications of Recent Analytical and Empirical Research", **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, 3 (1): 78-86.
- 28- Lehn, K. M.; Patro, S.; and M. Zhao (2009). "Determinants of the Size and Composition of US Corporate Boards: 1935-2000", **Financial Management**, Vol. 38, Issue. 4, pp. 747-780.
- 29- Li, D. (2007). "Auditor tenure and accounting conservatism", **Ph.D. Thesis**, Georgia Institute of Technology.
- 30- Lin, Z. J. and L. Ming (2009). "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China", **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, 18 (1): 44-59.
- 31- Linck, J. S.; Netter, J. M.; and T. Yang (2008). "The Determinants of Board Structure", **Journal of Financial Economics**, Vol. 87, Issue. 2, pp. 308-328.
- 32- Lynch, P. L. (2008). "An Empirical Examination of the Association between Auditor Change Events and Stock Prices", **A Dissertation submitted to the Graduate School-Newark Rutgers, in partial fulfillments of requirements for the degree of Doctor of Philosophy**, The State University of New Jersey.
- 33- Mahdavi, Gh.; Maharlouie, M. M.; Ebrahimi, F.; and M. Sarikhani (2011). "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice", www.eurojournals.com/Finance.htm. [22 August 2011].
- 34- Numata, S. and F. Takeda (2010). "Stock Market Reactions to Audit Failure in Japan: The Case of Kane Bo and ChuoAoyama", **International Journal of Accounting**, 45 (2): 175-199.
- 35- Rakow, K. C.; Kenneth J. R.; and S. L. Tiras (2010). "Audit Switching Risk and Lending Decisions", **Commercial Lending Review**, 25 (5): 35-38.

- 36- Schelker, M. and R. Eichenberger (2010). "Auditors and fiscal policy: Empirical evidence on a little big institution", **Journal of Comparative Economics**, 38 (4): 357-380.
- 37- Schwartz, K. and B. Soo (1995). "An Analysis of Form 8-K Disclosures of Audit Changes by Firms Approaching Bankruptcy", **Auditing: A Journal of Practice and Theory**, 14 (1): 125-136.
- 38- Skinner, D. J. and S. Srinivasan (2010). "Audit Quality and Auditor Reputation: Evidence from Japan", Harvard Business School Accounting and Management Unit, **Working Paper**, 10-088.
- 39- Tanyi, P.; Raghunandan, K.; and A. Barua (2010). "Audit Report Lags after Voluntary and Involuntary Auditor Changes", **Accounting Horizons**, 24 (4): 671-688.
- 40- Turner, L.; Williams, J.; and T. Weirich (2005). "An inside look at auditor changes", **CPA Journal**, November, 75 (11): 12-21.
- 41- U. S. Senate (2002). "Oversight Hearing on Accounting and Investor Protection Issues Raised by Enron and other Public Companies", **Committee on Banking, Housing and Urban affairs, U. S. Senate**, February 12, 26, 27 and March 6, 14, 19, 20, 21. Washington, D. C.: Government Printing Office.
- 42- U. S. Treasury (2008). **Advisory Committee on The Auditing Profession: Draft report-May 5**, Washington: D. C. Government Printing Office.
- 43- Yang, C-C.; Lee, C-F.; Gu, Y. X.; and Y-W. Lee (2010). "Co-Determination of Capital Structure and Stock Returns-A LISREL Approach an Empirical Test of Taiwan Stock Markets", **the Quarterly Review of Economics and Finance**, Vol. 50, Issue. 2, pp. 222-233.